

# حدیث ثقلین

## از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت

ایلقار اسماعیل زاده \*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین ادله روایی در مورد برتری و حقانیت اهل بیت (علیهم السلام)، حدیث شریف «ثقلین» است. این حدیث شریف در عین اینکه حدیث صحیح و متواتری است، مورد پذیرش دانشمندان مذاهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت نیز محسوب می‌گردد. پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) در این حدیث شریف با تأکید بسیار، امت اسلامی را به اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) توصیه نموده است. این مقاله با روش تطبیقی و مقایسه‌ای دیدگاه‌های مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت را با توجه به منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، لغوی مورد بررسی قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: اهل بیت (علیهم السلام)، اهل سنت، حدیث ثقلین، فریقین.

### پیشگفتار

چهارده قرن پیش در شبه جزیره عربستان آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله)، مبعوث شد و بدین وسیله آخرین کتاب آسمانی (قرآن کریم) و شریعت الهی را بر مردم جهان عرضه داشت و ملت‌های بی شماری را به سوی خود جلب نمود.

\* دانش‌پژوه دوره دکتری رشته تفسیر تطبیقی مدرسه عالی امام خمینی (س.س.ر.)

امت اسلامی تا روز وفات پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با یکدیگر اختلاف چندانی نداشتند و همه آنها تابع قرآن کریم و ملتزم به دستورهای رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بودند. ولی پس از وفات آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اختلافات امت اسلامی شروع شد و امت بزرگ اسلام به مذاهب و فرقه‌های بی‌شماری تقسیم شدند و هر یک از آنها خود را مذهب حق و دیگران را مذاهب باطل معرفی کردند. البته پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خود شخصا از این مسئله آگاه بود و از آن خبر داده بود. در حدیث آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین می‌خوانیم:

لِأَيُّنِ عَلِيٍّ أُمَّتِي مَا أَقَى عَلِيٌّ بَنِي إِسْرَائِيلَ... ان بنی اسرائیل تفرقت علی  
تستین وسبعین ملة، وتفرقت اُمّتی علی ثلاث وسبعین ملة کلهم فی النار الا واحدة؛  
آنچه بر سر بنی اسرائیل آمده، بر سر امت من خواهد آمد... همانا  
بنی اسرائیل به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند و امت من به هفتاد و سه  
فرقه تقسیم می‌شوند که غیر از یکی همگی آنها در آتش هستند.

با اینکه این حدیث از نظر سند دارای ضعف است، اما از نظر محتوا بیان‌کننده یک حقیقت است و آن اختلاف و پراکندگی امت اسلامی و دسته‌دسته شدن آنهاست. گفتنی است که منظور از اهل آتش بودن در این حدیث، مربوط به کسانی می‌شود که با شناخت راه حقیقت، راه و مذهب دیگری برای خود بر می‌گزینند و یا دست به ایجاد یک مذهب جدید می‌زنند. همچنین بدون شک منظور از هفتاد و سه، یک رقم مشخص نبوده، بلکه منظور از آن کثرت است و ذکر رقم هفتاد و سه در مقابل هفتاد و دو، نشان‌دهنده اختلافات شدید در میان مسلمانان نسبت به بنی اسرائیل است.

با اینکه در اینجا قصد ورود به بحث اهل نجات بودن یا نبودن همه فرق و مذاهب اسلامی را نداریم، ولی باید بپذیریم که به طور اساسی امکان ندارد پس از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیش از یک مذهب، راه حق و حقیقت باشد و لابد تنها یکی از آنها راه حق و حقیقت و راه حقیقی پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. هدف اصلی ما نیز در این نوشتار اثبات همین مسئله است، ولی قبل از ورود به این موضوع اصلی ضروری است که مطالبی را ذکر کنیم.

## ۱. لزوم وحدت و یکپارچگی امت اسلامی

با اینکه امت اسلامی به فرقه‌ها و مذاهب مختلف تقسیم شده‌اند و با یکدیگر اختلافات اعتقادی، فقهی و... دارند، ولی وضع امت اسلامی و وجود خطرات زیاد و بی‌شمار خارجی، لزوم وحدت اسلامی را دو چندان می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به امت اسلامی چنین می‌فرماید:

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا؛<sup>۲</sup>

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت]

چنگ زبید و پراکنده نشوید.

بنابراین بر یکایک امت اسلامی واجب و ضروری است که از هرگونه اختلاف و تفرقه پرهیز کنند و وحدت اسلامی را رعایت نمایند. پیروان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) باید اهل سنت را برادر خود و اهل سنت نیز باید پیروان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) را برادر خود بدانند. البته لزوم و ضرورت وحدت بدین معنا نیست که از اعتقادات خود دست برداریم و بدون دلیل تابع هر سخن و عقیده مطرح شده باشیم و یا از طرح مبانی اعتقادی خود به طور مستدل و منطقی چشم پیوشیم.

## ۲. محکومیت تعصب و تعصب‌گرایی

تعصب به دو نوع ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. تعصب در مورد خوبیهای اخلاقی و کارهای خوب و ارزشمند، خوب و مورد قبول است، ولی تعصب در امور دیگر، مانند ملی‌گرایی، مال‌گرایی، مقام‌گرایی، مذهب‌گرایی بی‌منطق و پوچ محکوم و مذموم شمرده می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سکتته علی رسوله والمؤمنین...<sup>۳</sup>

[به خاطر بیاورید] هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت [تعصب] جاهلیت داشتند و [در مقابل] خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود.

بنابراین، طبق همین آیه شریفه می‌توان تعصب را به انواع تعصب‌های جاهلی و غیرجاهلی تقسیم نمود. در روایات و احادیث شریفه نیز از تعصب جاهلیت نهی شده است که در اینجا تنها به ذکر چند حدیث اکتفا می‌کنیم.

۱. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله):

من کان فی قلبه حمة من خردل من عصبية بعثه الله یوم القیامة مع اعراب الجاهلیة؛<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: هر کس در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد، خداوند او را در روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث می‌کند.

۲. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله):

لیس منا من دعا الی عصبية و لیس منا من قاتل [علی] عصبية و لیس منا من مات علی عصبية؛<sup>۵</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: از ما نیست کسی که بر تعصب [جاهلی] دعوت کند و از ما نیست کسی که [بر اساس یک] عصبیت [جاهلی] بجنگد و از ما نیست کسی که با تعصب [جاهلی] بمیرد.

در واقع، فرد متعصب مانند کسی است که در وسط یک بیابان و هنگام ابری نبودن آسمان، زیر گرمای آفتاب بایستد و چشم خود را ببندد و با انگشتان خود گوشه‌هایش را محکم بگیرد و در همان حال فریاد بزند: خورشید وجود ندارد؛ خورشید نیست؛ خورشید کجاست؟ چنین شخصی اگر چشمان خود را باز کند، خورشید را خواهد دید و یا اگر گوشه‌های خود را باز کند، سخن حق دیگران را در مورد وجود خورشید خواهد شنید، ولی چنین تعصب جاهلی سبب می‌شود که وی از درک حقیقت انکارناپذیر محروم شود.

هر فرد متعصب در امور مذهبی و دینی نیز همانند این شخص بی‌منطق است که همواره از درک حقیقتها محروم می‌شود و از سعادت باز می‌ماند. بنابراین بر هر فرد عاقل ضروری و لازم است که هر گونه تعصبهای جاهلی و بی‌منطق را کنار بگذارد و بدون این موانع به سخنان حق و منطقی گوش دهد و بدین وسیله راه درست را انتخاب نماید.

خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

بِشَرِّ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَيْهِمْ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأَلْيَابُ؛<sup>۶</sup>

پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند.

طهری

### ۳. ضرورت بازگشت به قرآن و سنت

اگر امت اسلامی در موارد متعدد با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، در اصل پذیرش قرآن و سنت با یکدیگر اختلاف ندارند. خود خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛<sup>۷</sup>

[ای مؤمنان] و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این [کار] برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) در تفسیر همین آیه شریفه چنین می‌فرماید:

فالرد إلى الله الاخذ بمحكم كتابه و الرد إلى الرسول الاخذ بسنته  
الجماعة غير المتفرقة؛<sup>۸</sup>

برگرداندن به سوی خدا، عمل به نص صریح کتاب خداوند است و بازگرداندن به سوی پیامبر، عمل به سنت کلی [و مورد اتفاق] اوست، نه آنچه مورد اختلاف [و یا در مورد خاصی] است.

همچنین خداوند متعال در جای دیگر قرآن کریم می‌فرماید:  
 و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا؛<sup>۹</sup>  
 و آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید [بپذیرید و اجرا کنید] و  
 از آنچه نهی کرده، خودداری کنید....

بنابراین بر همه امت اسلامی واجب و ضروری است که اختلافات فیما بین خود را با  
 مراجعه به قرآن کریم و سنت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حل کنند و از هرگونه اظهار  
 نظرهای بی‌اساس و بی‌منطق و نیز تعصبات جاهلی پرهیز نمایند.  
 مسئله رهبری و خلافت امت اسلامی نیز یکی از مهم‌ترین این مسائل اختلافی است  
 که می‌توان آن را با مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حل و فصل کرد  
 و جلوی اختلافات را گرفت.

#### ۴. ضرورت پیروی از امامان و رهبران هدایتگر

همان‌گونه که می‌دانید، پس از وفات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تا کنون افراد بسیاری  
 ادعای خلافت و رهبری امت اسلامی را داشته و خود را خلیفه رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)  
 معرفی کرده‌اند. اما نکته مهم در اینجا این است که اگر امت اسلامی از رهبران هدایتگر اطاعت  
 نکنند و به دنبال افراد دیگر بروند، بدون شک راه خود را گم می‌کنند و از راه سعادت دنیوی و  
 اخروی باز می‌مانند. خداوند متعال در قرآن کریم نیز بر اطاعت و پیروی از افراد هدایتگر تأکید  
 می‌ورزد که در اینجا مطالب مربوط به همین موضوع را در سه مرحله بیان می‌کنیم:  
 الف) ضرورت پیروی از افراد و رهبران هدایتگر و هدایت یافته معصوم  
 خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

افمن ینبئکم انی قد انزلت الیک الذکر و انزلت الیک الفکر  
 کیف تحکمون؛<sup>۱۰</sup>

آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است  
 یا آن کسی که خود هدایت نمی‌شود، مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود،  
 چگونه داوری می‌کنید؟!

بدون شک هر مسلمان عاقل و منصفی در پاسخ به این سؤال خواهد گفت: کسی که  
 به حق هدایت می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است و بس. چون چنین افرادی علاوه بر  
 هدایت یافتن از سوی پروردگار متعال به اذن او هدایتگر دیگران نیز هستند و آنها به ویژگی  
 عصمت الهی شهرت دارند.

ب) رهبران هدایتگر هدایت یافته را چگونه می‌توان شناخت؟  
در پاسخ به این سؤال باید بگوییم که آفریدگار همه عالم هستی، رهبران هدایتگر هدایت یافته را از دیگران بهتر می‌شناسد و اوست که آنها را هدایت نموده و جهت هدایتگری دیگران آماده کرده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين<sup>۱۱</sup>

همانا پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه گشته‌اند، آگاه‌تر است

و همچنین به کسانی که هدایت یافته‌اند.

همچنین خداوند متعال می‌فرماید:

الله اعلم حیت یجعل رسالته<sup>۱۲</sup>

خداوند آگاه‌تر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد.

بنابراین، این خداوند سبحان است که رهبران هدایتگر هدایت یافته را بهتر می‌شناسد و اوست که به آنها آگاهی کامل دارد.

ج) ضرورت مراجعه به قرآن و سنت

خداوند متعال در تعدادی از آیات نورانی قرآن کریم از رهبران الهی سخن گفته و با بیان ویژگیهای خاص، آنها را برای امت اسلامی معرفی فرموده است. همچنین پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در احادیث و بیانات خود، چنین رهبران الهی را با همه دقائق و ویژگیهای لازم، مانند تعداد و مشخصات اسمی آنها و... به امت اسلامی معرفی نموده و بر مسئله امامت و رهبری امت تأکیدات بسیاری کرده‌اند. بنابراین وظیفه هر مسلمان آن است که با مراجعه به قرآن کریم و سنت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این رهبران الهی را بشناسد و با پیروی از آنها راه حقیقت و سعادت خود را در پیش بگیرد.

۵. ادله و براهین راه حق و حقیقت

برای اثبات راه حق پس از رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ادله و براهین بی‌شماری وجود دارد که هم در قرآن کریم و هم در سنت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از آنها سخن به میان آمده است. مسئله امامت و رهبری امت اسلامی از چنان اهمیت والایی برخوردار است که هم از طرف خداوند متعال و هم از سوی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مورد تأکید قرار گرفته و بیان شده است. در حقیقت این سخن که خداوند در قرآن کریم و پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در طول حیات خود راجع به مسئله امامت و خلافت پس از خود هیچ سخنی نگفته، بسیار حرفی بی‌منطق و به دور از علم است.

طهر

اگر به تاریخ اسلام مراجعه کنیم، خواهیم دید که حتی خلیفه اول پس از خود عمر بن خطاب را به جانشینی خود انتخاب کرده و خلیفه دوم نیز پس از خود برای همین مسئله یک شورای شش نفری را برگزیده است. بنابراین بسیار سخن شگفت‌آوری است که بگوییم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از خود فرد یا افرادی را به مقام رهبری و خلافت نصب نکرده، ولی ابوبکر، عمر بن خطاب و دیگران پس از خود برای خود جانشین تعیین نموده و به این موضوع اهمیت داده‌اند.

یکی از مهم‌ترین ادله روایی در مورد برتری و حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام)، حدیث شریف «ثقلین» است. این حدیث شریف در عین اینکه حدیث صحیح و متواتری است، مورد پذیرش علمای مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت نیز به حساب می‌آید. پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این حدیث شریف که در منابع بی‌شمار حدیثی، تفسیری، تاریخی و... فریقین موجود است، با تأکید بسیار در مورد قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) خود، امت اسلامی را به اطاعت از آنها توصیه نموده است. این حدیث شریف در واقع منشور وحدت و رستگاری امت اسلامی است که بدون شک چنین وحدت و رستگاری در گرو عمل به دستورهای آنها و پیروی از آن دو امانت سنگین است. آنچه در این مقاله ملاحظه می‌کنید، بررسی همین حدیث شریف از دیدگاه مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت است و به این بخشها می‌پردازد:

حدیث ثقلین از دیدگاه منابع روایی فریقین؛ بررسی سند و راویان حدیث ثقلین و تاریخ صدور آن؛ مفاهیم و حقایق نهفته در حدیث شریف ثقلین.  
روش ما در تألیف و تحقیق این مقاله، روشی تطبیقی و مقایسه‌ای بین منابع و دیدگاههای مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت است که در آن از منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، لغوی و... معروف هر دو مذهب استفاده کرده‌ایم و تا حد امکان دیدگاه هر دو را مطرح ساخته‌ایم. همچنین در موارد ضروری برخی از شبهات و سؤالات مربوط را نیز بررسی و نقد کرده‌ایم.

### حدیث ثقلین در منابع روایی

حدیث شریف «ثقلین» از احادیث متواتر و صحیح و شناخته شده به حساب می‌آید که می‌توان آن را در منابع متعدد و بی‌شمار حدیثی مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت یافت. اما به جهت اختصار در اینجا با نگاهی گذرا به منابع فریقین از هر کدام از آنها نمونه‌هایی را ارائه خواهیم داد.

#### ۱. حدیث ثقلین در منابع روایی شیعیه

حدیث شریف ثقلین یکی از معروف‌ترین احادیث موجود در منابع روایی مذهب اهل بیت (علیه‌السلام) است. در اینجا به عنوان نمونه برخی از آنها را می‌آوریم.

۱. محمد بن یعقوب الکلبینی (م ۳۳۹ق) در کتاب کافی چنین نقل می‌کند:  
عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: ... قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): انی  
تارک فیکم امرین، ان اخذتم بهما لن تضلوا: کتاب الله عزوجل واهل  
بیتی عترتی؛<sup>۱۳</sup>

حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت نمودند که پیامبر  
خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: من در میان شما دو چیز را می‌گذارم که اگر  
به آن دو متمسک شوید، هرگز گمراه نشوید: (آن دو) کتاب خداوند  
عزوجل و اهل بیت، یعنی عترت من هستند.

۲. شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ق) در کتاب کمال الدین چنین نقل می‌کند:

عن زید بن ارقم، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): انی تارک فیکم  
التقلین کتاب الله وعترتی [اهل بیتی] فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛<sup>۱۴</sup>  
زید بن ارقم نقل می‌کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: من  
در میان شما دو چیزی سنگین می‌گذارم که (آن دو) کتاب خدا (قرآن  
کریم) و اهل بیت من هستند و همانا آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا  
زمانی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۳. محمد بن مکی، معروف به شهید اول (۷۳۴ - ۷۸۶ق) در کتاب الدرر الباهرة من

الاصداف الطاهرة از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) چنین نقل می‌کند:

انی تارک فیکم التقلین: کتاب الله وعترتی، ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا؛<sup>۱۵</sup>  
پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: همانا من در میان شما دو چیز  
سنگین می‌گذارم: کتاب خداوند (قرآن کریم) و اهل بیت که اگر به آن دو  
تمسک جوید، هرگز گمراه نشوید.

۴. علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) نیز در کتاب بحار الانوار چنین روایت می‌کند:

عن الامام الرضا (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) انی  
تارک فیکم التقلین: احدهما اعظم من الاخر: کتاب الله جبل محدود من  
السماء الی الارض وعترتی اهل بیتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهم؛<sup>۱۶</sup>

حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که پیامبر  
اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: همانا من در میان شما دو چیز سنگین  
می‌گذارم که یکی از آنها از دیگری بزرگ‌تر است؛ کتاب خداوند (قرآن)  
که ریسمان کشیده شده از آسمان به سوی زمین است و اهل بیت و  
عترت من. پس بنگرید که چگونه سفارش مرا در مورد آنها رعایت می‌کنید.

طهری



گفتنی است که تقریباً در هر منبع روایی، تاریخی، تفسیری و... مذهب اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان حدیث شریف «تقلین» را با تعبیرها و الفاظ مختلف مشاهده و ملاحظه نمود و قطعاً منابع آن به موارد پنج‌گانه فوق منحصر نمی‌شود.

## ۲. حدیث تقلین در منابع روایی اهل سنت

پس از ملاحظه نمونه‌هایی از حدیث شریف «تقلین» از منظر منابع مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، اینک همین حدیث شریف را از منظر منابع روایی برادران اهل سنت به گونه‌ای مختصر بررسی می‌کنیم:

۱. مسلم بن حجاج النیسابوری (۲۰۶ - ۲۶۱ق) در کتاب صحیح خود چنین نقل می‌کند:

عن زید بن ارقم... قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): يا ايها الناس، فانما انا بشر يوشك ان يأتى رسول ربى فاجيب وانا تارك فيكم تقلين: اولهما كتاب الله قيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به فحث على كتاب الله ورغب فيه ثم قال: واهل بيته، اذكركم الله فى اهل بيته، اذكركم الله فى اهل بيته، اذكركم الله فى اهل بيته؛<sup>۱۷</sup>

زید بن ارقم نقل می‌کند که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: ای مردم! همانا من بشر هستم و به زودی فرستاده پروردگارم می‌آید و من دعوت (حق) را اجابت می‌کنم، و همانا در میان شما دو چیز سنگین را می‌گذارم که اولین آنها کتاب خدا (قرآن) است که در آن هدایت و نور است. بنابراین آن را بگیرید و به آن تمسک جویند... (و دومین آنها) اهل بیت من است که خدا را در مورد اهل بیتم بر شما یادآوری می‌کنم؛ خدا را در مورد اهل بیتم بر شما یادآوری می‌کنم؛ خدا را در مورد اهل بیتم به شما یادآوری می‌کنم.

۲. ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی (۲۰۹ - ۲۹۷ق) در سنن خود/الجامع الصحیح

چنین روایت می‌کند:

عن جابر بن عبد الله... قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): يا ايها الناس، انى قد تركت فيكم ما ان اخذتم به لن تضلوا: كتاب الله وعترتى اهل بيته؛<sup>۱۸</sup>

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: ای مردم! همانا من در میان شما چیزی را ترک می‌کنم که اثر آن را بگیرید، هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا (قرآن کریم) و عترتم که اهل بیت من هستند.

۳. حافظ ابوبکر عمرو بن ابی عاصم الضحاک الشیبانی (م ۲۸۷ق) در کتاب خود، کتاب

السنه چنین نقل می‌کند:

عن ابی سعید الخدری: أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: انى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله حبل ممدود ما بين السماء والارض وعترتى اهل بيتى ولن يفترقا حتى يردا على الحوض؛<sup>۱۸</sup>

ابوسعید خدری نقل می کند که پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: همانا من در میان شما دو چیز سنگین می گذارم: کتاب خداوند که ریسمان کشیده شده در میان آسمان و زمین است و عترت من که اهل بیتم هستند. آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا وقتی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۴. حافظ ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب النسائي (۲۱۵ - ۳۰۳ق) در کتاب خصائص امیر المؤمنین (علیه السلام) چنین روایت می کند:

عن زیدین ارقم... [قال رسول الله (صلى الله عليه وآله)]: انى قد تركت فيكم الثقلين: احدهما اكبر من الاخر: كتاب الله وعترتى اهل بيتى، فانظروا كيف تخلفوني فيهما، فانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض؛<sup>۲۰</sup>

زیدین ارقم نقل می کند که پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) [هنگام برگشت از حجة الوداع در غدیر خم] فرمودند: همانا من در میان شما دو چیز سنگین ترک نمودم که یکی از آنها از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا (قرآن) و عترتم که اهل بیت من هستند. پس بنگرید که سفارش مراد درباره آن دو چگونه رعایت خواهید کرد. همانا آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا وقتی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۵. حافظ ابو عبد الله الحاكم النيسابوري (م ۴۰۵ق) در کتاب المستدرک على الصحيحين چنین روایت می کند:

عن زیدین ارقم... قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): انى تارك فيكم الثقلين: احدهما اكبر من الاخر: كتاب الله وعترتى فانظروا كيف تخلفوني فيهما، فانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض؛<sup>۲۱</sup>

زیدین ارقم روایت می کند که پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: همانا من در میان شما دو چیز سنگین را می گذارم که یکی از آن دو از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا (قرآن) و عترتم که اهل بیت من هستند. پس بنگرید که درباره سفارش من چگونه رفتار خواهید کرد. همانا آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا روزی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۶ حافظ جلال الدين السيوطي (۸۴۹ - ۹۱۱ق) در کتاب الجامع الصغير چنین نقل می کند:

عن زیدین ثابت [قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): انى تارك فيكم خليفتي: كتاب الله حبل ممدود ما بين السماء والارض، وعترتى اهل بيتى وانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض؛<sup>۲۲</sup>

طهری

زیدبن ثابت نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:  
 همانا من در میان شما دو جانشین می گذارم: کتاب خدا (قرآن) که  
 ریسمان کشیده شده در میان آسمان و زمین است و عترتم که اهل بیت  
 من هستند. همانا آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا وقتی که در کنار حوض  
 بر من وارد شوند.

۷. علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهمندی (م ۹۷۵ق) در کتاب *کنز العمال* چنین

روایت می کند:

عن زیدبن ارقم... [قال رسول الله]: انما انا بشر يوشك ان ادعى  
 فأجيب، الا! واني تارك فيكم ثقلين: احدهما كتاب الله عزوجل جبل،  
 من اتبعه كان على الهدى، ومن تركه كان على الضلالة، واهل بيتي،  
 اذكرهم الله في اهل بيتي - ثلاث مرات؛<sup>۲۳</sup>

زیدبن ارقم نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در غدیر خم  
 فرمود: همانا من بشر هستم و به زودی (به درگاه الهی) دعوت شده و آن  
 را اجابت می نمایم. آگاه باشید که همانا من در میان شما دو چیز سنگین  
 می گذارم که یکی از آنها کتاب خداوند عزوجل است که ریسمان (الهی)  
 می باشد. هر کس از آن پیروی نماید هدایت شود و هر کس آن را ترک  
 نماید، گمراه گردد. و اهل بیت من که خدا را در مورد اهل بیتم به شما  
 یادآوری می کنم. این سخن را سه بار تکرار نمود.

۸. شیخ سلیمان القندوزی الحنفی (م ۱۲۹۴ق) نیز در کتاب خود، *ینایع المودة* چنین نقل می کند:

عن جبير بن مطعم قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) واني تارك  
 فيكم الثقلين: كتاب ربنا وعترتي اهل بيتي، فانظروا كيف تحفظوني فيهما؛<sup>۲۴</sup>

جیبیر بن مطعم نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:  
 همانا من در میان شما دو چیز گران و سنگین می گذارم: کتاب  
 پروردگاران و عترتم که اهل بیت من هستند. پس بنگرید که [وصیت]  
 مرا در مورد آن دو چگونه رعایت خواهید نمود.

گفتنی است که حدیث شریف «ثقلین» علاوه بر موارد مذکور در منابع متعدد دیگری از منابع  
 برادران اهل سنت موجود است که در اینجا به طور خلاصه به ذکر عنوان تعدادی از آنها اکتفا می شود.<sup>۲۵</sup>

۱. *مصایب السنة، البغوی الشافعی، ج ۲، ص ۲۰۵ (چاپ مصر)؛*

۲. *نظم درر السمطين، الزرندي الحنفی، ص ۲۳۱؛*

۳. *تفسير الخازن، ج ۱، ص ۴؛*

۴. *مشكاة المصابيح، العمري، ج ۲، ص ۲۵۵ (چاپ دمشق)؛*

۵. السيرة النبوية، احمدزين دحلان الشافعي (مفتي مكة) در حاشيه السيرة الحلبية، ج ۳، ص ۳۳۰؛  
 ۶. الفتح الكبير، النبهاني، ج ۱، ص ۳۵۲؛  
 ۷. مناقب علي بن ابي طالب (عليه السلام)، ابن المغازلي الشافعي، ص ۲۳۶، ج ۲، ص ۲۱۴؛  
 ۸. ذخائر العقبى، الطبري الشافعي، ص ۱۶؛  
 ۹. كفاية الطالب، الكنجي الشافعي، ص ۵۳؛  
 ۱۰. فرائد السمطين، الجويني الخراساني، ج ۲، ص ۲۶۸، ج ۵۳۵؛  
 ۱۱. المسند، احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۸۱ (چاپ الميمنة، مصر)؛  
 ۱۲. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۵ و ج ۹، ص ۱۶۲ و ۱۶۴؛  
 ۱۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، ج ۶، ص ۳۷۵ (چاپ مصر)؛  
 ۱۴. تاريخ دمشق، ابن عساكر الشافعي، ج ۲، ص ۳۶، ج ۵۴۵ و ۵۳۴ (چاپ بيروت)؛  
 ۱۵. انساب الاشراف، البلاذري، ج ۲، ص ۱۱۰، ج ۴۸؛  
 ۱۶. النهاية، ابن الاثير، ج ۱، ص ۱۵۵ (چاپ مصر)؛  
 ۱۷. نهاية الارب، النويري، ج ۱۸، ص ۳۷۷ (چاپ مصر)؛  
 ۱۸. حلية الاولياء، ابونعيم، ج ۱، ص ۳۵۵؛  
 ۱۹. الاتحاف بحب الاشراف، الشبراوي الشافعي، ص ۶؛  
 ۲۰. الدر المنثور في تفسير المأثور، جلال الدين السيوطي، ج ۲، ص ۶۰.

طهر

سال پنجم - شماره ۱۷ - بهار ۱۳۸۵

### بررسی سند و روایان حدیث ثقلین و تاریخ صدور آن

پس از ملاحظه نمونه‌هایی از حدیث شریف «ثقلین» اینک مطالبی را در مورد سند، روایان و تاریخ صدور آن ارائه می‌کنیم.

آنچه در این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد شامل سه مطلب مهم و اساسی است:

۱. روایان حدیث شریف ثقلین از میان صحابیان؛
۲. متواتر و صحیح بودن حدیث شریف ثقلین؛
۳. تاریخ صدور حدیث شریف ثقلین.

#### ۱. روایان حدیث شریف ثقلین از میان صحابیان

حدیث شریف «ثقلین» در میان علمای مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت از شهرت بسیار برخوردار است و بدون شک این ناشی از وجود آن در منابع متعدد فریقین و نیز نقل آن توسط تعداد قابل توجهی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. طبق تحقیقات انجام گرفته، حدیث شریف «ثقلین» توسط سی و هفت تن از اصحاب پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل و روایت شده است که عبارت‌اند از: ۲۶

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ ۲. فاطمه زهرا (سلام الله علیها)؛
۳. امام حسن مجتبی (علیه السلام)؛ ۴. امام حسین (علیه السلام)؛ ۵. ابویوب انصاری؛
۶. ابوذر غفاری؛ ۷. ابورافع؛ ۸. ابوسعید خدری؛ ۹. ابوشریح خزاعی؛ ۱۰. ابوقدومه انصاری؛ ۱۱. ابولیلی انصاری؛ ۱۲. ابوالهیثم ابن التیهان؛ ۱۳. ابوهریره؛ ۱۴. ام‌المؤمنین ام‌سلمه؛ ۱۵. ام‌هانی خواهر امام علی (علیه السلام)؛ ۱۶. انس بن مالک؛ ۱۷. براء بن عازب؛ ۱۸. جابر بن عبدالله انصاری؛ ۱۹. جبرین مطعم؛ ۲۰. حذیفه بن اسید غفاری؛ ۲۱. حذیفه بن یمان؛ ۲۲. خزیمه بن ثابت (ذوالشهادتین)؛ ۲۳. زید بن ارقم؛ ۲۴. زید بن ثابت؛ ۲۵. سعد ابن ابی وقاص؛ ۲۶. سلمان فارسی؛ ۲۷. سهل بن سعد؛ ۲۸. ضمیره اسلمی؛ ۲۹. طلحه بن عبیدالله قیمی؛ ۳۰. عامر بن لیلی بن ضره؛ ۳۱. عبدالرحمن بن عوف؛ ۳۲. عبدالله بن حنطب؛ ۳۳. عبدالله بن عباس؛ ۳۴. عدی بن حاتم؛ ۳۵. عقبه بن عامر؛ ۳۶. عمر بن خطاب؛ ۳۷. عمرو بن عاص.

گفتنی است که همین حدیث شریف از امام باقر، امام صادق، امام رضا و امام هادی (علیهم السلام) نیز نقل شده است.<sup>۲۷</sup> همچنین یادآوری این نکته لازم است که میرحامد حسین هندی (م ۱۳۰۶ق) در کتاب *گرائندر عبقات الانوار* نام نوزده تابعی و نام بیش از سیصد تن از علما و دانشمندان اهل سنت را آورده است که از قرن دوم تا قرن چهاردهم زندگی کرده و حدیث شریف «ثقلین» را نقل و روایت نموده‌اند.<sup>۲۸</sup>

## ۲. متواتر و صحیح بودن حدیث شریف ثقلین

در مورد متواتر و صحیح بودن حدیث شریف ثقلین باید گفت که این حدیث شریف از دیدگاه فریقین از احادیث متواتر به حساب می‌آید و در عین حال از طریق مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت با سندهای صحیح و معتبر نقل شده است. منظور از متواتر، حدیث و خبر جماعتی است که سلسله روایت آن تا معصوم، در هر طبقه به حدی باشد که امکان توافق آنها بر کذب، به طور عادی محال باشد و نیز موجب علم گردد.<sup>۲۹</sup> با توجه به اینکه حدیث شریف ثقلین را تعداد قابل توجهی از روایان در منابع فریقین روایت کرده‌اند، می‌توان آن را از دیدگاه مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت حدیث متواتر معرفی نمود. همچنین علاوه بر علمای حدیثی ما، تعدادی از علمای حدیثی اهل سنت نیز حدیث شریف ثقلین را صحیح و معتبر نامیده‌اند که در اینجا به اسامی و کتابهای برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. مسلم بن حجاج النیسابوری (۲۰۶ - ۲۶۱ق) با نقل حدیث شریف ثقلین در کتاب *صحیح خود*، بر صحت و اعتبار آن حدیث شریف صحه گذاشته است. قبلاً روایت زید بن ارقم در همین زمینه ملاحظه شد.<sup>۳۰</sup>

۲. ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ الترمذی (۲۰۹ - ۲۹۷ق) در کتاب *الجامع الصحیح* خود با نقل دو روایت مربوط به ثقلین، هر دو روایت را (با همان سند) حدیث حسن (یعنی حدیثی که از نظر اعتبار پس از حدیث صحیح قرار گرفته است) نامیده است.<sup>۳۱</sup>

۳. حافظ ابو عبدالله الحاکم النیسابوری (م ۴۰۵ق) حدیث شریف ثقلین را در کتاب خود *المستدرک علی الصحیحین* ذکر نموده و سپس از نقل آن چنین گفته است:

هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه بطوله؛<sup>۳۲</sup>

این حدیث [ثقلین] بر اساس شرط بخاری و مسلم (حدیث) صحیحی است ولیکن آن دو این حدیث را [در کتب خود] به طور کامل نقل نکرده‌اند.

۴. حافظ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی (م ۷۷۴ق) در تفسیر خود، ذیل آیه ۲۳ از سوره شوری، حدیث شریف ثقلین را صحیح نامیده است. متن سخن وی و حدیث مورد نظر چنین است:

وقد ثبت فی الصحیح أن رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال فی خطبته بغدیر خم: ائی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی و انهما لم یفترقا حتی یردا علی الحوض؛<sup>۳۳</sup>

همانا در [کتاب یا حدیث] صحیح آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه غدیر خم چنین فرمود: همانا من در میان شما دو چیز سنگین را می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیت من که آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا روزی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۵. حافظ جلال الدین السیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ق) نیز در کتاب *الجامع الصغیر* خود، پس از نقل حدیث شریف «ثقلین» از طریق زید بن ثابت، آن را صحیح معرفی کرده است.<sup>۳۴</sup>

همچنین تعداد دیگری از علما و محدثان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت نیز در کتب و رسائل خود بر صحیح و معتبر بودن حدیث شریف «ثقلین» اذعان و تأکید کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که کسی نمی‌تواند در صحت و اعتبار و شهرت این حدیث شریف خدشه‌ای وارد سازد. چون حدیث شریف ثقلین، علاوه بر متواتر بودن، صحیح و معتبر است که این هم مورد اتفاق فریقین است. البته ممکن است قسمتی از احادیث ثقلین دارای سند ضعیف باشد، ولی این امر هیچ آسیبی به سایر احادیث صحیح و با سند معتبر وارد نمی‌سازد.

### ۳. تاریخ صدور حدیث شریف ثقلین

یکی از مهم‌ترین سؤالات در مورد حدیث شریف ثقلین این است که می‌پرسند: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) حدیث شریف ثقلین را کی و کجا بیان کرده است؟ آیا این حدیث شریف تنها در یک مورد توسط آن حضرت (صلی الله علیه و آله) به گوش امت اسلامی رسانده شده است؟

طهری

در پاسخ این سؤال باید گفت: اگر به منابع مختلف روایی و حدیثی و تفسیری و تاریخی نظر کنیم، خواهیم دید که در این مورد زمانها و مکانهای متفاوتی بیان شده است.

۱. طبق روایت جابر بن عبدالله انصاری، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این حدیث شریف را در مراسم حجة الوداع و روز عرفه بیان فرموده است.<sup>۳۵</sup>

۲. طبق روایت امیرالمؤمنین، امام علی (علیه السلام)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حدیث ثقلین را در مسجد خیف فرموده است.<sup>۳۶</sup>

۳. بر اساس روایت زید بن ارقم، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) آن را در مراسم حجة الوداع و در محل غدیر خم بیان فرموده است.<sup>۳۷</sup>

۴. طبق روایت دیگر جابر بن عبدالله انصاری، پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) آن را در حالت بیماری و در حالی که بر روی منبر نشسته بود، بیان فرموده است.<sup>۳۸</sup>

۵. همچنین بر اساس روایت حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را در حالت بیماری آخر عمر گرمی خود، هنگامی که اصحاب آن حضرت (صلی الله علیه و آله) در اتاق وی جمع شده بودند، بیان کرده است.<sup>۳۹</sup>

بنابراین، اکنون نتیجه می گیریم که حدیث شریف ثقلین در چند مکان و زمان خاص بیان شده است. اما اختلاف و تعدد زمانها و مکانها نباید موجب شک و تردید در مورد اصل آن باشد؛ چون با توجه به اینکه عمل به قرآن و پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) در حدیث شریف ثقلین عامل سعادت و رستگاری امت اسلامی بیان شده است، هیچ مانعی ندارد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علت اهمیت این موضوع، آن را در زمانها و مکانهای مختلف و حتی بیش از پنج مرتبه بیان فرموده باشد.

دانشمند معروف اهل سنت، احمد بن حجر الهیثمی المکی (۸۹۹ - ۹۷۴ق) پس از شمردن چهار مورد از موارد بیان حدیث ثقلین چنین می گوید:

ولا تنافی اذ لا مانع من انه كرر عليهم ذلك في تلك المواطن  
وغيرها اهتماما بشأن الكتاب العزيز والعتره الطاهرة؛<sup>۴۰</sup>

[اینها] هیچ منافاتی ندارد، چون بر اساس اهتمام به مقام قرآن و عترت طاهره هیچ مانعی ندارد که [پیامبر خدا] این حدیث را در این مکانهای مختلف برای مسلمانان تکرار نموده باشد.

در واقع باید گفت که تکرار حدیث شریف ثقلین در زمانها و مکانهای متعدد و مختلف، از جایگاه مهم قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) خبر می دهد که پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، آن را عامل رستگاری و دوری از گمراهی امت اسلامی تا روز قیامت معرفی فرموده است.

## مفاهیم و حقایق نهفته در حدیث شریف ثقلین

آنچه تاکنون در دو بخش پیشین ملاحظه شد، به اندازه کافی مفهوم و اهمیت حدیث شریف ثقلین را برای هر خواننده روشن می‌سازد. اما اگر در محتوای این حدیث شریف تأمل بیشتری شود، بدون شک قسمتی از مفاهیم و حقایق نهفته در آن برای ما مشخص خواهد شد. اکنون به محتوای حدیث شریف «ثقلین» نگاهی می‌افکنیم و قسمتی از حقایق نهفته در آن را به طور گذرا بررسی می‌کنیم.

### ۱. منظور از اهل بیت (علیهم‌السلام) در حدیث شریف ثقلین چه کسانی است؟

در پاسخ این سؤال باید بگوییم که فهمیدن این نکته چندان مشکل نیست و هر کس در محتوای حدیث شریف «ثقلین» اندکی تأمل و تفکر نماید، منظور از اهل بیت در آن را به خوبی به دست خواهد آورد. بدون شک منظور از اهل بیت در این حدیث شریف که به عنوان ثقل اصغر (امانت سنگین کوچک‌تر) معرفی شده است، باید کسانی باشند که لیاقت و شرایط رهبری همه جانبه امت اسلامی را داشته و در عین حال از هر گونه لغزش و گناه و انحراف دور باشند. ثقل اکبر (امانت سنگین بزرگ‌تر) یعنی قرآن کریم نیز دارای چنین ویژگی است و همین ضامن رستگاری و سعادت امت اسلامی است. اما افراد غیر معصوم توان و لیاقت ایفای چنین نقش الهی و بزرگی را ندارند.

بدون شک منظور از اهل بیت در حدیث شریف «ثقلین» کسانی هستند که خداوند متعال در آیه ۳۳ از سوره احزاب، از تطهیر آنها از هر گونه پلیدی و گناه خبر داده است. بی‌تردید منظور از آنها کسانی است که خداوند متعال در آیه ۵۹ از سوره نساء به صاحبان امر واقعی بودن آنها اشاره نموده و بر اطاعت مطلق مسلمانان از آنها تأکید ورزیده است.

اهل بیت کسانی هستند که خداوند متعال در آیه ۴۳ از سوره نحل، آنها را اهل ذکر واقعی امت اسلامی معرفی نموده و به مراجعه امت اسلامی به آنها دستور داده است. همچنین خداوند متعال در آیه ۱۱۹ از سوره توبه، آنها را راستگویان و صادقان حقیقی معرفی کرده و به همراهی مطلق امت اسلامی با آنها دستور داده است. نیز خداوند متعال در آیه ۲۳ از سوره شوری، آنها را نزدیکان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) معرفی کرده و اجر رسالت آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را دوستی و مودت آن نزدیکان قرار داده است.

به علاوه، روایات موجود در منابع فریقین نیز بیان‌کننده این نکته است که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بارها و در موارد متعدد، امام علی، فاطمه، حسن، حسین و امامانی از اولاد امام حسین (علیهم‌السلام) را اهل بیت خود معرفی نموده است. طبق برخی از روایات موجود، حدیث شریف «ثقلین» دارای ادامه‌ای است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آن منظور از اهل بیت (علیهم‌السلام) را به طور روشن بیان فرموده است.

طهری



شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ق) در کتاب کمال الدین از امام صادق (علیه السلام) و آن حضرت نیز از آباء خود چنین نقل می کند:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): انى مخلف فيكم السخطين: كتاب الله وعترتى اهل بيتى، فانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض كهاتين - وضم بين سبائتيه. فقام اليه جابر بن عبد الله الانصاري وقال: يا رسول الله! من عترتك؟ قال: على والحسن والحسين والائمة من ولد الحسين الى يوم القيامة؛<sup>۴۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: همانا من در میان شما دو چیز سنگین می گذارم: کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. همانا آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا روزی که در کنار حوض بر من وارد شوند. مثل این دو، و آن حضرت (صلی الله علیه وآله) دو انگشت سبابه (و اشاره) خود را به هم چسبانید. در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری برخاست و گفت: ای پیامبر خدا؟ عترت شما کیست؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: (عترت من) علی، حسن، حسین و امامان از اولاد حسین (علیهم السلام) تا روز قیامت هستند. خداوند متعال در آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) می فرماید:

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا؛

خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

طبق روایات و احادیث موجود، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از نزول این آیه، امام علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را زیر عباى خود قرار داد و چنین گفت:

اللهم هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا؛<sup>۴۲</sup>

پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند. پس پلیدی و گناه را از آنان دور ساز و آنها را کاملاً پاک کن.

اعتقاد امامیه و بسیاری از علمای اهل سنت نیز در این مورد بسیار روشن و واضح است. آنها معتقدند که منظور از اهل بیت در حدیث شریف ثقلین، امام علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان معصوم از اولاد امام حسین (علیهم السلام) هستند.

## ۲. کاربرد واژه «ثقل» در حدیث شریف

واژه «ثقل» در لغت عرب به معنای هر چیز سنگین و در مقابل هر چیز سبک به کار می رود.<sup>۴۳</sup> اما اینکه چرا پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) قرآن و اهل بیت خود (علیهم السلام) را دو چیز سنگین نامیده است، چند توجیه دارد:

اول: تمسک و عمل کردن به دستورهای قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام)، کار بسیار دشواری است.<sup>۴۴</sup>

**دوم:** با توجه به اینکه در زبان عربی به هر چیز نفیس و با اهمیت «ثقل» گفته می‌شود، قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) به خاطر ارزش و اهمیت بسیار والا، ثقلین، یعنی دو چیز نفیس و ارزشمند نامیده شده‌اند.<sup>۴۵</sup>

**سوم:** همچنین برخی از دانشمندان «ثقل» را به معنای بار سفر گرفته و اظهار داشته‌اند هر فردی که خواهان سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی است، باید در این مسیر بار سنگین قرآن و عترت (علیهم السلام) را به دوش بکشد و بدین وسیله سعادت خود را تأمین نماید.

**۳. جدا نشدن قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)**

طبق حدیث شریف «ثقلین»، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند و بین آنها رابطه‌ای ناگسستگی وجود دارد. امام علی (علیه السلام) در همین زمینه چنین می‌فرماید:

ان الله تبارك وتعالى طهرنا وعصمنا، وجعلنا شهداء على خلقه وحجته في ارضه، وجعلنا مع القرآن وجعل القرآن معنا، لا تفارقه ولا يفارقنا؛<sup>۴۶</sup>

همانا خداوند تبارک و تعالی ما را [از گناهان و پلیدیها] تطهیر نموده و معصوم گردانیده است و ما را بر خلق خود شاهدان و در روی زمین خود حجتهای خویش قرار داده است. [خداوند متعال] ما را همراه قرآن و قرآن را همراه ما قرار داده است. ما از قرآن جدا نمی‌شویم و قرآن از ما جدا نمی‌شود.

البته امت اسلامی پس از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بین آن دو امانت بزرگ جدایی انداختند، به گونه‌ای که عده‌ای از مسلمانان به دنبال قرآن رفتند و اهل بیت (علیهم السلام) را کنار گذاشتند و عده دیگر نیز اهل بیت (علیهم السلام) را گرفتند و قرآن را رها کردند و تنها عده بسیار کمی به وصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عمل کردند و از قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) اطاعت نمودند.

بدون شک دسته اول و دسته دوم رستگار به حساب نمی‌آیند و تنها گروه رستگار و سعادت‌مند، دسته سوم است که هم از قرآن و هم از اهل بیت (علیهم السلام) اطاعت می‌کنند.

**۴. وعده به گمراه نشدن و رسیدن به سعادت در حدیث**

چنان که در حدیث شریف «ثقلین» ملاحظه می‌شود، اگر امت اسلامی از قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) اطاعت نمایند، به آنها وعده «لن تضلوا» داده شده است. طبق قواعد زبان عربی، حرف «لن» برای نفی ابد به کار می‌رود. بنابراین اگر ما مطیع قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) باشیم، بدون شک هرگز گمراه نخواهیم شد.

طهر

سال پنجم - شماره ۱۷ - بهار ۱۳۸۵

۵. بیان اهل بیت (علیهم السلام) در کنار قرآن کریم، حاکی از عصمت ائمه (علیهم السلام) است.<sup>۴۷</sup>

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وانه لكتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه

تنزیل من حکیم حمید: ۲۸

این کتابی است قطعاً شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش

و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید، چرا که از سوی خداوند حکیم و

شایسته ستایش نازل شده است.

اگر هیچ باطلی در قرآن کریم راه نداشته باشد، در اهل بیت (علیهم السلام) نیز راه نخواهد داشت، چرا که آن دو، تا روز قیامت نزد یکدیگر باقی می‌مانند و عهده‌دار رهبری و هدایت امت‌های اسلامی هستند. واضح است که عهده‌داران چنین مقام بزرگ و خطیری، باید از هرگونه انحراف و گناه معصوم باشند و الا فلسفه نبوت و رسالت به کلی از بین می‌رود و نتیجه معکوسی خواهد داد. بنابراین، طبق محتوای حدیث شریف «تقلین»، می‌توان گفت که اهل بیت (علیهم السلام) مانند قرآن کریم از هر گونه انحراف و باطل دور و در واقع معصوم هستند.

#### ۶. حجیت قرآن و عترت (علیهم السلام)

همان‌گونه که قرآن کریم حجت و نیز بیان‌کننده همه چیز است، اهل بیت (علیهم السلام)

نیز حجت‌اند و با متکی بودن به قرآن کریم و ویژگی‌های الهی، بیان‌کننده همه چیز هستند.<sup>۴۹</sup>

بنابراین قول، فعل و تقریر اهل بیت (علیهم السلام) به طور کلی حجیت دارد و پس از قرآن کریم

معتبر شمرده می‌شود.

#### ۷. عدم تعارض بین قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)

با توجه به محتوای حدیث شریف «تقلین»، نتیجه می‌گیریم که بین قرآن کریم و

اهل بیت (علیهم السلام) هیچ‌گونه اختلاف و تعارضی وجود ندارد؛<sup>۵۰</sup> چون از نظر عقل و

منطق، معرفی دو چیز متعارض با یکدیگر در کنار هم، قابل قبول و شایسته نیست.

اگر احیاناً بین قرآن کریم و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) تعارضی مشاهده شود، این

تعارض یا از آن روایان حدیث است و یا ما قادر به درک معنای حقیقی آنها نیستیم. خود

اهل بیت (علیهم السلام) هیچ‌گاه بر خلاف قرآن کریم سخنی نمی‌گویند و بلکه آنان مفسران

حقیقی قرآن کریم هستند. از سوی دیگر، خود آنها دستور داده‌اند که هر چیز (سخن، عمل و

تقریر) مخالف با قرآن کریم را کنار بگذاریم و به چنین مطالبی اعتنا نکنیم. در اینجا چند

حدیث مربوط به این موضوع را بیان می‌کنیم.

## حدیث اول

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ايها الناس! ما جاءكم عنى يوافق كتاب الله فانا قلته وما جاءكم يخالف كتاب الله فلم اقله؛<sup>۵۱</sup>  
پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود: ای مردم! آنچه از طرف من به شما رسید و موافق قرآن بود، آن را من گفتم و آنچه به شما رسید و مخالف قرآن بود، من آن را نگفتم.

## حدیث دوم

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ان على كل حق حقيقة وعلى كل صواب نورا فما وافق كتاب الله فخذوه وما خالف كتاب الله فدعوه؛<sup>۵۲</sup>  
پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود: همانا برای هر حقی حقیقتی و برای هر درستی نوری است. پس آنچه را موافق قرآن است، اخذ کنید و آنچه را مخالف قرآن است، ترک کنید.

## حدیث سوم

قال الامام الصادق (عليه السلام): كل شى مردود الى الكتاب والسنه وكل حديث لا يوافق كتاب الله فهو زخرف؛<sup>۵۳</sup>  
حضرت امام صادق (عليه السلام) فرمود: هر موضوعی باید به قرآن و سنت ارجاع داده شود و هر حدیثی که موافق قرآن نباشد، دروغ خوش‌نماست.

طهری

## ۸. لزوم وجود یکی از اهل بیت (علیهم السلام) در کنار قرآن تا روز قیامت

همان‌گونه که در حدیث شریف «تقلین» بیان شده است، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) تا روز قیامت قرین هم‌اند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند. با توجه به همین نکته می‌توان نتیجه گرفت که باید تا روز قیامت، برای هر زمانی یک رهبر معصوم از اهل بیت (علیهم السلام) وجود داشته باشد. این نکته بر وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمانهای پس از وفات یازدهمین رهبر معصوم، امام حسن عسکری (علیه السلام)، تا زمان نامعلوم و نامشخص صحنه می‌گذارد. چون آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با وجود غایب بودن از چشمها، زنده است و در وقت خود ظهور خواهد نمود و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

در واقع انکار وجود امام زمان، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرون گذشته و حاضر، انکار سخن پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) است که از قرین هم بودن قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) تا روز قیامت خیر داده است.

## ۹. اهل بیت (علیهم السلام) در برابر قرآن ثقل اصغرند نه در مقابل دیگران

در عبارات مختلف حدیث شریف «ثقلین»، قرآن کریم به عنوان «ثقل اکبر» (امانت سنگین بزرگ‌تر) و اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان «ثقل اصغر» (امانت سنگین کوچک‌تر) معرفی شده است. باید بگوییم که اهل بیت (علیهم السلام) صرفاً در مقایسه با قرآن کریم (که ثقل اکبر است) کوچک است، ولی نسبت به دیگران بزرگ و با عظمت شمرده می‌شود.

## ۱۰. جایگزینی سنت به جای اهل بیت (علیهم السلام) در حدیث ثقلین

در برخی از منابع روایی به احادیث معدودی برخورد می‌کنیم که در آنها به جای تمسک به قرآن و عترت، بر تمسک بر قرآن و سنت تأکید شده است. از آن جمله در حدیث ذیل می‌خوانیم.

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): خلفت فیکم شیئین لن تضلوا بعدهما: کتاب الله وسنتی ولن یتفرقا حتی یردا علی الحوض؛<sup>۵۴</sup>

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: من در میان شما دو چیز را گذاشتم که بعد از آنها هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت من که آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا روزی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

در این باره باید بگوییم:

اولاً: برخی از دانشمندان اسلامی چنین احادیثی را از نظر سند ضعیف و غیرمعتبر دانسته و آنها را جعلی معرفی کرده‌اند و معتقدند دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) آنها را در قبال حدیث متواتر، صحیح و مورد اتفاق «ثقلین» جعل نموده‌اند.

ثانیاً: اگر بر فرض این احادیث جعلی و ضعیف نباشند، در نوبت نخست کاملاً متفاوت از حدیث صحیح و متواتر، ثقلین‌اند و نباید بین آن دو خلط نمود.

ثالثاً: اگر در همین زمینه کمی تفکر شود، روشن می‌شود که این روایت با حدیث شریف ثقلین چندان تعارض ندارد، بلکه از یک نظر مؤید و تصدیق‌کننده حدیث شریف «ثقلین» است. چون اگر امت اسلامی به دنبال سنت (قول و فعل و تقریر) واقعی و حقیقی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) باشند، بدون شک باید به سراغ اهل بیت معصوم آن حضرت (صلی الله علیه وآله) بروند که طبق اعتراف عقل، دانشمندان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت و تاریخ، اهل بیت (علیهم السلام) همواره در زمان خود از نظر علم و آگاهی به سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) اعلم و داناتر از دیگران بوده‌اند.

امیرالمؤمنین امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، اولین فرد از اهل بیت (علیهم السلام) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) است که طبق شواهد قطعی و غیر قابل انکار، در میان اصحاب پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) داناترین فرد به سنت و راه و روش پیامبر

عظیم‌النشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است. سایر امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز چنین بوده‌اند و نباید فراموش کرد که آنها با اراده خداوند متعال از هر گونه پلیدی و گناه تطهیر شده‌اند و از این رو در همه زمینه‌ها از دیگران لایق‌تر و برترند.

۱۱. رستگاری وعده داده شده در حدیث شریف در قبال عمل به دستورهای ثقلین نباید فراموش کرد که وعده داده شده در حدیث «ثقلین» در مورد رستگاری امت اسلامی، تنها در گرو عمل آنها به دستورهای قرآن کریم و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است و وعده مذکور هیچ‌گاه با ادعای محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و معرفی خود به عنوان شیعه و دوستدار آنها تحقق نخواهد یافت.

تعدادی از مسلمانان تنها خود را پیرو و دوستدار اهل‌بیت (علیهم‌السلام) معرفی می‌نمایند، ولی عملاً از دستورهای آنها پیروی نمی‌کنند. این عقیده و روشی نادرست و انحراف آمیز است. از طرف دیگر، خود اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز از پیروان و دوستداران خود خواسته‌اند که عملاً راه دین را در پیش بگیرند و از هر گونه ادعای بوج و انحرافی بپرهیزند. در اینجا به نقل چند حدیث شریف در این زمینه اکتفا می‌کنیم.

### حدیث اول

قال امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام): من احبنا فلیعمل  
بعملا ولیتجلبب الورع؛<sup>۵۵</sup>

حضرت امام علی (علیه‌السلام) فرمود: هر کس ما را دوست می‌دارد، باید طبق عمل ما رفتار کند و با تقوا باشد.

### حدیث دوم

قال الامام الباقر (علیه‌السلام): ایکنفی من اتحل التشیع ان یقول  
یحبنا اهل‌البیت؟ فوالله ما شیعتنا الا من اتقی الله واطاعه...؛<sup>۵۶</sup>

حضرت امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، او را بس است که از محبت ما اهل‌بیت دم زند؟ به خدا شیعه ما نیست، جز آنکه از [مخالفت] خداوند بترسد و او را اطاعت نماید.

### حدیث سوم

قال الامام الصادق (علیه‌السلام): لیس منا - ولا کرامة - من کان  
فی مصر فیه مائة الف او یزیدون وکان فی ذلك المصر احد اورع منه؛<sup>۵۷</sup>

حضرت امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: از ما نیست - و شرافتی ندارد - کسی که در شهری باشد که صد هزار تن یا بیشتر در آن [اهالی] باشد و در آن شهر شخصی پارساتر از او بوده باشد.

بدون شک احادیث مذکور و به ویژه حدیث سوم، مسئولیت بزرگ پیروان اهل بیت (علیهم السلام) یعنی لزوم اطاعت عملی از آنان را می‌رساند. بنابراین اولین و اساسی‌ترین شرط رسیدن به رستگاری و سعادت الهی که در حدیث شریف ثقلین به آن وعده داده شده است، عمل به دستورهای قرآن کریم و اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## پی نوشتہا:

۱. **کنز العمال**، علاءالدین علی المتیق بن حسام الدین الہندی، تصحیح و تعليق: الشيخ بکری حیانی و الشيخ صفوة السقا، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۹۲۸.
۲. **آل عمران** (۳)، آیه ۱۰۳.
۳. **فتح** (۴۸)، آیه ۲۶.
۴. **الاصول من الکافی**، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی، تصحیح و تعليق: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۳۰۸، ح ۳.
۵. **سنن ابی داود**، الحافظ ابوداود سلیمان بن الاشعث السجستانی الازدی، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۴، ص ۳۳۲، ح ۵۱۲۱.
۶. **زمر** (۳۹)، آیات ۱۸ - ۱۷.
۷. **نساء** (۴)، آیه ۵۹.
۸. **تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه وآله)**، الشيخ حسین بن شعبه الحرائی، ترجمه و تصحیح: آیت الله کمرهای و علی اکبر غفاری، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ش، ص ۱۳۰؛ **نهج البلاغه**، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۹، نامه ۵۳.
۹. **حشر** (۵۹)، آیه ۷.
۱۰. **یونس** (۱۰)، آیه ۳۵.
۱۱. **انعام** (۶)، آیه ۱۱۷.
۱۲. **همان**، آیه ۱۲۴.
۱۳. **الاصول من الکافی**، کتاب الحجۃ، باب الاشارة والنص علی امیر المؤمنین (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳.
۱۴. **کمال الدین و تمام النعمه**، ابو جعفر محمد بن علی شیخ صدوق، تصحیح و تعليق: الشيخ حسین الاعلمی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۲.
۱۵. **الدرة الباهرة**، منسوب به شهید اول محمد بن مکی، ترجمه و تصحیح: عبدالهادی مسعودی، انتشارات زائر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، ص ۱۶، ح ۱۱.
۱۶. **بهار الانوار**، ج ۱۰، ص ۳۶۹، ح ۱۸.
۱۷. **صحیح مسلم**، مسلم بن حجاج النیشابوری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۰م، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی بن ابی طالب، ص ۱۰۴۳، ح ۲۲۰۸.
۱۸. **المجامع الصحیح (سنن الترمذی)**، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، تحقیق: ابراهیم عطوه عوض محمد فؤاد عبدالباقی و احمد محمد شاکر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۵، ص ۶۶۴، ح ۳۷۸۶.
۱۹. **کتاب السنن**، الحافظ ابوبکر عمرو بن ابی عاصم الضحاک بن مخلد الشیبانی، تحقیق: محمد ناصر الدین الالبانی، المکتب الاسلامی، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۹۳م، ص ۶۳۰، ح ۱۵۵۴.
۲۰. **خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب**، الحافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب النسائی، تحقیق: محمد الکاظم المحمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۲، ح ۷۸.

طهر

سال پنجم - شماره ۱۷ - بهار ۱۳۸۵

۴۴



۲۱. *المستدرک علی الصحیحین*، الحافظ ابو عبدالله الحاكم النيشابورى، دارالمعرفة، بيروت، چاپ اول، ۱۹۸۶م، ج ۳، ص ۱۰۹.
۲۲. *الجامع الصغير*، جلال الدين بن ابى بكر السيوطى، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۹۸۱م، ص ۱۵۷، ج ۲۶۳۱.
۲۳. *كنز العمال*، ج ۱۳، ص ۶۴۱، ج ۳۷۶۲۱.
۲۴. *ينابيع المودة*، الشيخ سليمان القندوزى الحنفى، تصحيح و تعليق: اعلاء الدين الاعلمى، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۳۹.
۲۵. نگاه كنيد به: *المراجعات*، عبدالحسين شرف الدين، تحقيق: الشيخ حسين الراضى، المجمع العالمى لاهل البيت (عليهم السلام)، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۷ - ۳۲۹.
۲۶. *اهل البيت في الكتاب والسنة*، محمد رى شهرى، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۵ - ۱۲۶؛ *المراجعات*، ص ۳۲۷ (گفتنى است كه در اين دو كتاب، منابع و مدارك هر يك از موارد مذکور ذكر شده است).
۲۷. *اهل البيت في الكتاب والسنة*، ص ۱۲۷ (ياورقى).
۲۸. همان، ص ۱۲۷.
۲۹. *تلخيص مقباس الهداية*، الشيخ عبدالله بن محمد حسن المامقانى، تلخيص و تحقيق: على اكبر غفارى، جامعة الامام الصادق (عليه السلام)، چاپ اول، ۱۳۶۹ش، ص ۱۸.
۳۰. *صحيح مسلم*، كتاب فضائل الصحابة، باب فضائل على بن ابى طالب (عليه السلام)، ص ۱۰۴۳، ج ۲۴۰۸.
۳۱. *الجامع الصحيح (سنن الترمذى)*، ج ۵، ص ۶۶۳، ج ۳۷۸۶ و ۳۷۸۸.
۳۲. *المستدرک علی الصحیحین*، كتاب معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۱۰۹.
۳۳. *تفسير القرآن العظيم*، ابوالفداء اسماعيل بن كثير، دارالمعرفة، بيروت، چاپ دوم، ۱۹۷۸م، ج ۴، ص ۱۲۲.
۳۴. *الجامع الصغير*، ص ۱۵۷، ج ۲۶۳۱.
۳۵. *الجامع الصحيح (سنن الترمذى)*، ج ۵، ص ۶۶۲، ج ۳۷۸۶؛ *ينابيع المودة*، ج ۱، باب ۴، ص ۳۷.
۳۶. *ينابيع المودة*، ج ۱، باب ۴، ص ۴۱ - ۴۲.
۳۷. *صحيح مسلم*، ص ۱۰۴۳، ج ۱، ص ۲۴۰۸؛ *التهذيب*، ج ۶، ص ۹۷، ج ۱۷۷؛ *خصائص امير المؤمنين (عليه السلام)*، ص ۱۱۲، ج ۷۸.
۳۸. *ينابيع المودة*، ج ۱، باب ۴، ص ۴۸.
۳۹. همان، ص ۴۷.
۴۰. *الصواعق المحرقة في الرد على اهل البدع والزندقة*، احمد بن حجر الهيتمى المكي، مكتبة القاهرة، چاپ دوم، ۱۹۶۵م، باب ۱۱، فصل ۱، ص ۱۵۰.
۴۱. *كمال الدين وتمام النعمة*، ج ۱، باب ۲۲، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.
۴۲. *الجامع الصحيح (سنن الترمذى)*، كتاب المناقب، باب مناقب اهل البيت (عليهم السلام)، ج ۵، ص ۶۶۳، ج ۲۷۸۷. همچنين روايات قريب به همين مضمون را در كتابهاى: *صحيح مسلم*، كتاب فضائل الصحابة، باب فضائل اهل بيت النبى (صلى الله عليه وآله)، ص ۱۰۴۹، ج ۲۴۲۴ (۶۱)؛ *ينابيع المودة*، باب ۳۳، ج ۱، ص ۱۲۵ - ۱۲۷؛ *خصائص امير المؤمنين على بن ابى طالب*، ص ۳۵، ج ۱۱ و ص ۵۳، ج ۲۴ و... ملاحظه فرماييد.

٤٣. لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ اول، ١٩٨٨ م، ج ٢، ص ١١٢، ماده «نقل»: مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهاني، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، دار القلم، دمشق، چاپ اول، ١٩٩٦ م، ص ١٧٢، ماده «نقل».

٤٤. لسان العرب، ج ٢، ص ١١٤.

٤٥. همان.

٤٦. الاصول من الكافي، كتاب الحجّة، باب في ان الائمة شهداء الله عزوجل على خلقه، ج ١، ص ١٩١، ح ٥.

٤٧. حديث الثقلين، شيخ قوام الدين الوشنوي و محمد الواعظ الخراساني، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية، قم، چاپ اول، ١٩٩٥ م، ص ٤٣.

٤٨. فصلت (٤١)، آيات ٤١ و ٤٢.

٤٩. حديث الثقلين، محمد الواعظ الخراساني، ص ٤٣.

٥٠. همان.

٥١. الاصول من الكافي، كتاب فضل العلم، باب الاخذ بالسنة و شواهد الكتاب، ج ١، ص ٤٩، ح ٥.

٥٢. همان، ج ١.

٥٣. همان، ج ٣.

٥٤. كنز العمال، ج ١، ص ١٧٣، ح ٨٧٥.

٥٥. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد بن محمد التميمي الامدي، تحقيق: مصطفى درايبي، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، چاپ اول، ١٣٦٦ ش، ص ١١٧، ح ٢٠٤٥.

٥٦. الاصول من الكافي، كتاب الايمان والكفر، باب الطاعة والتقوى، ج ٢، ص ٧٤، ح ٣.

٥٧. همان، باب الورع، ج ١، ص ٧٨، ح ١٠.

طهر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سال پنجم - شماره ١٧ - بهار ١٣٨٥